

امام علی علیه السلام و پایه های امنیّت ملی

<?xml encoding="UTF-8?">

با نگاهی به سخنان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام می توان امنیّت ملی را بر چند پایه مستقر یافت.

1 - همدلی مردم در مسائل مهم سیاسی - اجتماعی

یکی از پایه ها و پارامترهای سازنده ی امنیّت ملی، «وحدت و همدلی» حاکم بر مردم است. اگر افراد یک جامعه و یا یک مملکت در مسائل مهم و اساسی مملکت با هم همدل و هم جهت باشند، و در اختلافات جزئی و سلیقه ای نسبت به سلیقه و نظر خود پافشاری نکنند، خود این وحدت و همدلی باعث استقرار و دوام امنیّت ملی می گردد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام آن گاه که با فتنه ی خوارج روبرو شد، فرمود: «والزموا السوادَ الاعظم فانّ یدالله مع الجماعة وایاکم الفرقة، فانّ الشاذّ من الناس للشیطان کما انّ الشاذّ من الغنم للذئب، و همواره همراه بزرگترین جمعیت ها باشید که دست خدا با این جمعیت است.» از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها و پراکنده بهره ی شیطان است، هم چنان که گوسفند تک رو طعمه ی گرگ می شود.» (1)

2 - ایمان محکم و فراگیر مردمی

ایمان محکم و همراه با تقوای الهی در امنیّت ملی نقش به سزایی دارد، چون که مسلمان موحد، اولین شعار دینی اش، کلمه ای «لا اله الا الله» است. مسلمان با این اشعار بیان می دارد که سر تسلیم به هیچ فردی فرود نمی آورد، جز برای خداوند واحد عزوجلّ، تسلیم هیچ قدرتی نمی شود جز قدرت خداوند و از هیچ چیزی نمی ترسد، جز از خداوند سبحان، امام علی علیه السلام فرمود: «من خاف الله امنه الله من کل شیء، هرکه از خدا بترسد، خدا او را ایمن می گرداند از همه چیز.» (2)

بنابراین مؤمن با این پشتوانه ی اعتقادی و ایدئولوژیک، نسبت به انسان ها و قدرت های ظاهری ترس در دل ندارد؛ خود این مایه ی امنیّت و آرامش است. حال اگر این ایمان به خداوندی فراگیر شود و اکثریت قاطع مردم یک کشور از این ایمان بهره مند شوند، طبیعی است که یکی از بارقه های آن، امنیّت ملی است.

3 - جهاد و آمادگی دفاعی همگانی

جهاد و آمادگی دفاعی یکی از پایه های ایدئولوژی اسلام است. و این یکی از رمزهای پیروزی چشمگیر مسلمانان به ویژه در صدر اسلام و سده های نخستین است.

این جهاد و آمادگی دفاعی همگانی بود که باعث شد، مسلمانان در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم از غربت رهایی یابند و سرانجام تمامی جزیره العرب را زیر چتر اسلام قرار دهند. امام علی علیه السلام در دوره ی پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله وسلم از قهرمانان دفاعی مسلمانان بلکه سرآمد همه ی قهرمانان دفاعی و مبارز بود؛ او نبردهای سرنوشت سازی همانند جنگ های «بدر»، «احد»، «احزاب»، و «خیبر» را با موفقیت به پیش برد. و در دوره های زمامداری خویش نیز با رشادت و شجاعت تمام نیروها را بسیج کرد و با «ناکثان»، «قاسطان» و «مارقان» جنگید. آن حضرت در این دوره، بیش ترین سخنان آتشین درباره ی تشویق و ترغیب مسلمانان به جهاد و آمادگی دفاعی همگانی را بیان داشت. حضرت در این ترغیب ها، جهاد را از ارکان استقرار امنیت ملی خواند و محرومیت از آن را مایه ی سیه روزی و ناامنی معرفی نمود.

به عنوان نمونه، آن گاه که به حضرت خبر دادند که عمال معاویه با ستمگری کم نظیر به شهر «انبار» یورش بردند، و مسلمانان در این شهر به دفاع از خود به پانخاستند، حضرت در سخنانی به نقش آمادگی دفاعی و جهاد همگانی مسلمانان می پردازد و می گوید:

«مردمی که از جهاد روی برگردانند، خداوند لباس ذلّت بر تن آنان می پوشاند و بلا به آنان هجوم می آورد، حقیر و ذلیل می شوند، عقل و فهم شان تباه می گردد و به خاطر تضییع جهاد حقّ آنان پایمال می شود، و نشانه های ذلّت در آنان آشکار می گردد، و از عدالت محروم می شوند.

آگاه باشید، من شب و روز، پنهان و آشکارا شما را به مبارزه ی با این جمعیت (معاویه و پیروانش) دعوت کرده ام و گفته ام پیش از آن که با شما بجنگند، با آنان نبرد کنید.

به خدا سوگند هر ملتی که در درون خانه اش مورد هجوم دشمن قرار گیرد حتما ذلیل خواهد شد ولی شما سستی به خرج دادید و دست از یاری برداشتید، تا آن جا که دشمن پی در پی به شما حمله کرد و سرزمین شما را تصاحب نمود.» (3)

4 - امر به معروف و نهی از منکر

دو مسؤولیت بزرگ همگانی، «امر به معروف» و «نهی از منکر» از پایه های امنیت ملی به شمار می آیند. اگر مردم به این دو وظیفه پایبند باشند و عمل کنند، جامعه روح آرامش و امنیت را به خود می بیند؛ از جمله سفارش های امام علی علیه السلام به فرزندانش تذکر آنان به امر به معروف و نهی از منکر است.

حضرت خطاب به آنان فرمود:

«لاتترکوا الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم، امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید چون که ترک این دو وظیفه موجب می شود که اشرار بر شما مسلط شوند. [و باعث ناامنی گردد.]» (4)

5 - اقتدار ملی در قالب حکومت

توانمندی حکومت و اقتدار آن بزرگ ترین مایه ی امنیت ملی است.

حضرت علی علیه السلام در پاسخ به شعار انحرافی خوارج ضمن بیان نقش حاکم و زمامدار، فرمود که توسط حکومت امنیت در راه های کشور استقرار می یابد.

«مردم به زمامداری نیازمندند، نیکوکار باشد یا بدکار، تا مؤمنان در سایه ی حکومت او به کار خویش بپردازند و

کافران هم بهره مند شوند و مردم در زیر چتر حمایتی حکومت زندگی کنند، به وسیله ی زمامدار اموال بیت المال جمع آوری گردد، و به کمک او با دشمنان مبارزه شود، جاده ها امن و امان و حقّ ضعیفان از توانمندان گرفته شود. نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران مردم در امن و امان باشند.» (5)

6 - مماشات و عدم پافشاری گروه های سیاسی

در جامعه ای که همانند جامعه امروزه ی ایران در امور سیاسی دگراندیشی برقرار است و از گروه های سیاسی متعددی برخوردار است اگر هر یک از این گروه ها با دیگران مماشات داشته باشند و از دیدگاه های خویش پافشاری ها را بزدایند، و تا حدودی با رقیب سیاسی خویش کنار بیایند، خود این کار یکی از پارامترهای مهم در برقراری امنیّت ملی به شمار می آید.

این حقیقت را امام علی بن ابی طالب علیه السلام هم در سیره و عمل از خود بروز داده و هم در سخنان خویش، بعد از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم با وجودی که حکومت و زمامداری مسلمانان حق مسلم آن حضرت بود، آن گاه که احساس کرد، با پافشاری در این حقّ مسلم امنیّت ملی تهدید می شود و دشمنان وسوسه می شوند از اصرار و پافشاری حقّ خویش خودداری نمود و در برابر پیشنهاد ابوسفیان و عباس مبنی بر بیعت با آن حضرت پاسخ منفی می دهد و چنین می فرماید:

«ای مردم، امواج کوه پیکر فتنه ها را با کشتی های نجات درهم بشکنید. از راه اختلاف و پراکندگی کنار آیید. تاج تفاخر و برتری جویی را از سر بنهید.

دو کس راه صحیح را پیمودند، آن کس که با داشتن یار و یاور نیروی کافی به پا خاست و پیروز شد؛ و آن کس که با نداشتن نیروی کافی کناره گیری کرد و مردم را راحت ساخت.

زمامداری بر مردم همانند آبی متعفن و یا همانند لقمه ای گلوگیر است. آنان که میوه را پیش از رسیدنش چینند، همانند کسی مانند که بذر را در کویر و شوره زار پاشد.» (6)

7 - قانونگرایی مسؤولان

اقتدار و موقّیّت نظام و حکومت به این است که کارگزاران نظام مردم را راضی نگهدارند و از خود نرنجانند. در صورت رنجش مردم بین مردم و کارگزاران حکومتی، جدایی برقرار می شود و این خود امنیت مردم را متزلزل می کند.

کارگزاران باید همانند مردم به قوانین و مقررات احترام بگذارند و به آن پای بند باشند.

امام علی علیه السلام برای فرماندار آذربایجان، «اشعث بن قیس» می نویسد:

«فرمانداری برای تو وسیله ی آب و نان نیست. بلکه امانتی است، در گردنت.

تو نیز باید مطیع مقام بالاتر باشی. درباره ی مردم حق نداری استبداد به خرج دهی و...» (7)

8 - تقویت بنیه ی دفاعی

امام علی علیه السلام در عهدنامه ی مالک اشتر درباره ی نیروهای نظامی می نویسد:

«اما سپاهیان و نیروهای نظامی با اذن پروردگار حافظ و پناهگاه مردمند، آنان زینت زمامداران، عزّت و شوکت دین و تأمین کنندگان امنیّت هستند قوام و اصلاح امور مردم جز توسط این ها ممکن نیست.» (8)

امام علی علیه السلام در دنباله ی این سخن می نویسد: قوام و اصلاح امور رعیت که یکی از ابعاد آن برقراری امنیت است به چهار چیز وابسته است.

- 1 - سپاهیان و نیروهای مسلح.
- 2 - امکانات مالی و چرخیدن چرخ مالیاتی و منابع درآمد حکومت.
- 3 - برقراری امور قضاء و کارایی دادگستری
- 4 - فعالیت های اقتصادی اعم از تولید، توزیع و فروشندگان و رواج بازار اقتصادی.

موانع تحقق امنیّت ملی از منظر امام علی علیه السلام

در بحث مربوط به پایه های امنیت ملی از منظر امام علی علیه السلام ، به صورت ضمنی به برخی از موانع تحقق امنیّت ملی در منظر امام علی علیه السلام اشاره شد. چرا که تمامی پایه ها و عوامل استقرار امنیت ملی، در صورت فقدان هر یک از آن ها و یا تحقق عنصری متضاد با آن ها، هر یک از آن امور، به موانع تبدیل می شوند. لیکن در این فراز افزون بر آن، در چند مانع عمده ی تحقّق امنیت ملی از منظر امام علی علیه السلام سخن را پی می گیریم.

1 - سستی و تنبلی در دفاع ملّی

در حکومت چند ساله ی امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد استقرار امنیّت ملی، فراز و نشیب هایی وجود داشت که همه ی آن ها برای ما درس زندگی، درس دین داری و درس حکومت داری است. در آن ایّامی که مردم زیر پرچم، به ندای آن حضرت مبنی بر گرم نگهداشتن جبهه ی نبرد با «ناکثین»، «قاسطین» و «مارقین» لبیک می گفتند و فعالانه در این حرکت دفاعی ملی شرکت می کردند، امنیت ملی برقرار می بود؛ ولی در هنگامی که مردم به جای لبیک گفتن، به سستی و تنبلی و بهانه تراشی رو می آوردند، امنیت ملی آنان به خطر می افتاد و متزلزل می شد و دشمنان از این فرصت سوءاستفاده می کردند.

حضرت علی علیه السلام این حقیقت تلخ را چنین بیان می دارد: «نفرین بر شما، از بس شما را سرزنش کردم خسته شدم. آیا به جای زندگی آخرت به زندگی دنیا راضی شده اید؟!

به جای عزّت و سربلندی، بدبختی و ذلّت را بر گزیده اید؟!

هرگاه شما را به جهاد با دشمن فراخواندم، چشمهایتان از ترس در جام دیده دور می زند، گویا ترس از مرگ عقلتان را ربوده است و همانند افراد مستی که قادر به پاسخ نیستند، از خود بی خود و سرگردان شده اید و گویا عقل های خود را از دست داده اید و نمی فهمید.

من هرگز و هیچ گاه به شما اعتماد ندارم.

بر شما اعتماد نیست که در دفع دشمن به شما تکیه شود... به خدا سوگند شما وسیله ی بدی برای افروختن آتش جنگ بر ضدّ دشمنن هستید.

برای شما نقشه ها می کشند، اما شما مرد کشیدن نقشه ای بر ضدّ آنان نیستید. دشمن به شما حمله می کند و شهرهای شما را از دستتان خارج می کند و شما به خشم نمی آیید. چشم دشمن برای حمله به شما خواب ندارد، ولی شما در غفلت و بی خبری به سر می برید. شکست از آنِ آنانی است که دست از یاری یکدیگر بر می دارند.»

2 - حرمت شکنی و گستاخی مردم نسبت به رهبر، یا روحیه ی مقدم بر امام داشتن

حرمت شکنی و گستاخی مردم نسبت به رهبر و فرمانده، یکی دیگر از موانع تحقق امنیت ملی است. در پایان جنگ صفین و جریان حکمیت عده ای که بعدها به خوارج نام یافتند، نسبت به رهبر و امام المسلمین گستاخ شدند، حرمت شکنی کردند، خودشان را بر امام علی علیه السلام مقدم داشتند، این امر زمینه ساز هجوم ناامنی برای کوفیان شد.

این گستاخی امنیت ملی مردم عراق را برای مدت زمان طولانی به خطر انداخت.

امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی ها این حقیقت را بیان می دارد که مخالفت با رهبر و حرمت شکنی سبب می شود که سرانجام با هجوم دشمن، امنیت ملی به مخاطره افتد و دشمن تفوق یابد و مایه ی بدبختی و سیه روزی مردم شود. فرمود:

«به من خبر رسیده است که «بُسر» از عمال معاویه، بر «یمن» مسلط شده است، به خدا سوگند، من از قبل می دانستم و می دانم که این ها به زودی بر شما مسلط خواهند شد، چون که آنان در یاری از باطلشان متحدند و شما در راه حق متفرقید.

شما پیشوای خویش را که در مسیر حق به پا خاسته است اطاعت نمی کنید ولی آنان پیشوای خویش را که در مسیر باطل است، اطاعت می کنند.

آنان نسبت به رهبر خود ادای امانت می کنند ولی شما راه خیانت را در پیش گرفتید. و آنان در شهرهای خود به اصلاح مشغولند ولی شما به فساد رو آوردید.» (10)

و نیز فرمود:

«هر گاه در ایام تابستان فرمان جهاد و مبارزه و حرکت به سوی دشمن را صادر کردم، شما عذر و بهانه آوردید و گفتید: اندکی به ما مهلت ده تا سوز گرما فرو نشیند و اگر در سرمای زمستان این دستور را به شما دادم، گفتید: اکنون هوا خیلی سرد است، بگذار سوز سرما آرام گیرد. همه ی این بهانه ها برای فرار از گرما و سرما بود. شما که از سرمای و گرما وحشت دارید و فرار می کنید، به خدا سوگند از شمشیر دشمن بیشتر فرار می کنید...» (11)

3 - کم رنگ شدن ایمان و تعهد دینی مسلمانان

شکی نیست که ایمان یکی از پارامترهای بسیار قوی در توان و انسجام مبارزان به شمار می آید اگر این ایمان کم رنگ شود و یا تعهد دینی مبارزان ضعیف شود، طبیعی است که ملت برای برقراری امنیت خویش، توانش را از دست می دهد.

اگر ایمان به خدا سست و یا نابود شود، در این صورت فرد به جای اینکه از خدا پروا داشته باشد، از دیگران ترس و وحشت دارد و این حالت خودش نوعی ناامنی است. و یا اینکه این تهدید امنیت ملی را به دنبال خود می آورد. امام علی علیه السلام فرمود:

«من خاف الناس اخافه الله سبحانه من كل شيء، هر که بترسد از مردم خداوند سبحانه بترساند او را از هر چیزی.» (12)

4 - جنگ افروزی

اگر فردی، جمعیتی و کشوری در پی تهاجم نظامی و زدودن امنیت دیگران باشد، بازتاب این کار این است که امنیت خویش را از دست می دهد.

امام علی علیه السلام فرمود: یکی از عوامل ناامنی جنگ افروزی است.

فرمود: «من حارب الناس حرباً»، هر که جنگ کند با مردم، ربوده شود اموال او.» (13)

5 - غفلت از وجود دشمن

هم جدال و دشمنی و جنگ با مردم باعث ناامنی می شود. و هم بی توجهی و غفلت از دشمن زمینه ساز ناامنی است.

امام علی علیه السلام فرمود: «من امن السلب سلباً»، هر که ایمن نشیند از ربوده شدن اموال، ربوده شود اموال او.» (14)

6 - اختلافات داخلی

امام علی علیه السلام در تفسیر و تحلیلی که از آینده ی جامعه ی عراق و کوفه نمود، یکی از عوامل ناامنی که در آینده گریبانگیر این شهر می شود را اختلافات داخلی بیان نمود.

حضرت بعد از آگاه شدن به حمله ی وحشیانه ی «بسرین ارطاة» به مناطق تحت کنترل آن حضرت، فرمود:

به جهت اختلاف و تفرقه ی شما من شکست شما و تهدید امنیت ملی شما را می بینم. (15)

و نیز حضرت فرمود: «الخلافا مثار الحروب؛ ناسازگاری مایه ی برانگیختن جنگ ها است.» (16)

7 - فساد کارگزاران

حضرت در این آینده نگری و تحلیل از وضعیت حال و آینده ی جامعه ی عراق یکی از عوامل تحقق ناامنی را فساد کارگزاران اعلان می کند. و می فرماید:

چون که شما در شهرهایتان در پی فساد هستید ولی سپاهیان دشمن در پی صلاح. شما در آینده ای نزدیک

شکست می خورید و امنیت ملی خویش را از دست می دهیم. (17)

8 - قانون شکنی

رواج هر نوع قانون شکنی، پرده دری، بی حرمتی و هتک حرمت دیگران، خود عامل و زمینه ساز ناامنی است.

امام علی علیه السلام به رعایت هر نوع حقوق مردم سفارش می نمود. حتی حضرت اجازه نمی داد به غیر مسلمان ظلم و ستم روا داشته شود.

حتی اموری که در فرهنگ اسلامی مالیت ندارد (مانند شراب، خوک) ولی در فرهنگ اقلیت های مذهبی از مالیت

و ارزشی برخوردار است، مسلمانان اجازه ای تجاوز و تعدی به آن امور را هم ندارند. چنانکه نوشته اند: در دوران

حکومت امام علی علیه السلام شخص مسلمانی خوک یک ذمی نصرانی را کشته بود، حضرت به نفع ذمی نصرانی

و به ضرر مسلمان حکم کرد که باید به خاطر این کار بهای آن را به نصرانی بپردازد. (18)

پی نوشت ها :

- 1 - همان، خطبه ی 127.
- 2 - غررالحکم، آمدی، ج 5، ص 421، چاپ دانشگاه تهران.
- 3 - نهج البلاغه، همان، خ. 27.
- 4 - همان، نامه ی 47.
- 5 - همان، خ. 40.
- 6 - همان، خ. 5.
- 7 - همان، نامه ی 5.
- 8 - همان، نامه ی 53، ص 432.
- 9 - همان، خ. 34.
- 10 - همان، خ. 25.
- 11 - همان، خ. 27.
- 12 - غررالحکم، همان، ج 5، ص 421.
- 13 - همان.
- 14 - همان.
- 15 - ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ی 25.
- 16 - غررالحکم، همان، ج 1، ص 185.
- 17 - ر.ک: نهج البلاغه، خ. 25.
- 18 - من لایحضره الفقیه.